

## مشاهد جسد سرد شده پس از عروسی

گروه حوادث

ساعت هواخوری است و هریک بیرون  
درفشی باز مشغول کاری هستند اما  
در حالی که کافه به نظر می رسد مدام مسیر کوتاهی را  
می رود و بر می گردد. من می گردم. من می گردم می اندیشد به  
راه هایی که هنوز نرفته است زیرا باید در محیطی غیر از  
زندگانش تلاش می کرد تا خود را به اهداف آینده اش نزدیک  
کند. تقاضای صحبت می کنم اما سرش تکان می دهد و  
می رود، گویا حوصله ندارد اما تصمیمش ثابت می شود.  
بر می گردد و می گوید دلم می خواهد ببینم تا برای من  
پس و سال هایم عبرتی شود. «رضا» شروع به صحبت  
می کند و می گوید: «۱۲ ساله بود که پدرم را از دست  
دادم، هنوز در مرگش را باور نکرده بودم که پدرم زن گرفت  
و ادعای سنگین تر از غم مادر بر دل من و خواهر و برادرانم  
گذاشت چون نامادری ام از اول شمشیرش را برای ام باز رو  
بسته بود و به هیچ وجه نمی توانست یا نمی خواست با ما  
مستقر شود. من چون فرزند اول خانواده بودم از خواهر  
۱۷ ساله که شد برای این که از دست من راحت شود پدرم  
را مجبور کرد بر این زن بنگردد و من هم تن به ازدواج دادم و  
پس از یک روز کارش بیشتر کم خورم و خورد و به یک سال  
نیکبختی چون همدسرم به ۱۵ ساله بود و هر دو ما به شاید  
بلوغ فکری تر رسیده بودیم بنابراین هر روز دعا و درگیری  
و اندیشیم و سرانجام از من جدا شدیم. رضا در حالی که  
چون روی زمین خط می کشد و سرش رو به پایین  
است. می گوید: بعد از طلاق از خانواده دور و به دوستانم

زندیک شدم و چون بی پولی را در زندگی مشترک تجربه کرده بودم و دیدم که خواستم دیگری بی پول باشد دست به سرزد زدم و پدرم که از دیر رفتن های من به خانه شاکه و خسته شده بود تصمیم گرفت دیگر بر این زن بگردد و این بار با دختر عمه ام از دواج کردم. وی با لبخندی که مشخص است دباوری خاطره ای خوب در زندگی اش است ادامه می دهد: اوایل، زندگی خوبی داشتیم چون هم تجربه زندگی قبل را داشتیم و هم با پول هایی که از سرقت های متعدد به دست آورده بودم بر خلاف زندگی قبلی مشکل مالی با هم نداشتیم اما باز هم به دلیل سن کم قدر زندگی و همسر را ندانستیم و رفیق بازی از رنجیم دادم، تا جایی که دو سه روز یک بار به خانه می رفتم و همین موضوع به سبب اختلاف با همسر شد. او اندوهگین سرش را به حالت افسوس تکان می دهنده و می افزاید: مراسم عروسی یکی از اقوام بود، بعد از سر زدن به خانه بر گشتم و به همسرم دعوی داشتیم، داستان سپس از عصبانیت شدیدی که بر اثر این بی خوابی با دوستی و دو هوشی های شبانه داشته به من به حمله کردم و او را زد. پس از آن دعوا همسر ما من به عروسی نیامد و به تنهایی رفتم و تا نیمه های شب آن جا بیهوش روی می گویید: نیمه های شب وقتی به خانه آمدم همسرم را افتاده در گوشه خانه دیدم بدنش سرد شده بود، ترسیدم و یاد دعوی لفظی سرش به وضوح بهایی افتادم که بر اثر کتک کاری به او وارد کردم، ناخودآگاه شروع به داد و بیداد کردم و قهرش را هم نمی کردم که ناخواسته او را کشته باشم، مادر همسر که عمو است به داخل خانه آمد و دخترش را ببیوش روی زمین دید. پدر این بار با

نیمه های شب وقتی به خانه آمدم  
همسرم را افتاده گوشه خانه دیدم.

ترسیدم و یاد دعوای لفظی سر شب و  
ضربه هایی افتادم که بر اثر کتک کاری به  
او وارد کردم، ناخودآگاه شروع به داد و  
بیداد کردم و فکرش را هم نمی کردم که  
ناخواسته او را کشته باشم

صدای بلندتری می گوید: هر چه به عمه ام می گفتم کار من نیست و من همسر را دوست داشتم باور نمی کرد و فقط داد و بیداد می کرد. با پلیس تماس گرفت و من را به اتهام قتل همسر دستگیر کردند.

این سن می‌دادم و وزن دیگر را به هم‌راهِ خودم هدیه‌بخش می‌کردم. وی بیان می‌کند: بعد از چند ماه که در زندان قدم پزشکی قانونی بردم هم‌سر من که حامله بود به بیمارستان راجد و دو لیبل آن را شش و شش و نیم حمله قلبی اعلام کرد، اما برای سرتقت‌هایی که انجام دادم در زندان هستم. رضا گاهی به فکر فرو می‌برد احساس می‌کنم قصد دارم از باتلاق‌های در آن فرو رفته است نجات پیدا کنم. شش‌میان می‌گوید: محسوس است، می‌گویند: روزهای زندان ستم می‌گذرد اما شاید اگر بیرون بودم مثل قبل به کارهای پیچیده‌گانه و ادامه می‌دادم، این کم‌کم سبیل‌های زیادی را می‌داشتند و آینده فکر می‌کنم به همین دلیل در کلاس‌های نهضت آموزی زندان ثبت نام نکردم تا نوشتن و خواندن را یاد بگیرم و روزهایم به بی‌اطالت‌نگذرد و بعد هم بتوانم کار درست و حسابی پیدا کنم که دیگر سمت و سوی هر چه زودتر من تنها پولی به افروزم اما اضافه‌اش نکرد بلکه سرتقت‌ها را داشتم تا دستم آزاد شود.

## معاون رئیس

معاون رئیس کل دادگستری استان مطرح کرد:

## استفاده از ظرفیت تسهیل گران پیشگیری از جرایم در حاشیه شهر

## گروه حوادث

## گروه حوادث | تسهیل گران برای پیشگیری از وقوع

های حساس و آسیب پذیر اجتماعی است. وی ادامه داد: با توجه به فرایض بسیار مهمی که همه دستگاه ها موظف هستند در پیگیری از وقوع جرم تلاش کنند. سازمان های مردم نهاد نقش مهم و اساسی در پیشگیری و مبارزه با مواد مخدر دارند که از این ظرفیت ها به درستی استفاده نشده است. وی گفت: تسهیل گران برای پیشگیری از جرم در حاشیه شهر نیاز به آموزش های بسیاری دارند، آن ها که به طور معمول آموزش ها هستند نقش موثری در آگاه سازی مردم در پیشگیری از جرم دارند. وی بیان کرد: در سال های اخیر این واقعیت به تدریج پدیده شده است که اگر قرار باشد فایده برنامه های توسعه اجتماعی و انسانی به مردم رسد، خود این مردم باید نقشی اساسی در این فرآیند داشته باشند و مفهوم مشارکت در ادبیات توسعه اجتماعی انسانی از جایگاهی منحصربه فرد برخوردار است. وی تصریح کرد: تنها افرادی که در جامعه امروزه می توان بر این ویلجوری از مشکلات جامعه به کار برد، پیشگیری از جرم است.

## تصادف تراکتور با وانت ۵ کشته داشت

برخورد روز گذشته تراکتور با وانت تویوتا حامل سوخت قاچاق در بوار شهید اقبال لاهوری زاهدان به کشته شدن پنج نفر و مصدومیت یک نفر منجر شد. فریبرز ارشدی رئیس مرکز حوادث و فوریت های پزشکی دانشگاه علوم پزشکی زاهدان با بیان این که تراکتور حامل کارگران بود به خبرنگار ما گفت: پس از اعلام به مرکز فوریت های پزشکی چهار دستگاه آمبولانس به محل حادثه اعزام شد که یک نفر مصدوم با سوختگی ۱۰۰ درصد با یک دستگاه آمبولانس به بیمارستان حضرت علی بن ابیطالب (ع) زاهدان منتقل شد.

## هشدار

## نکات ایمن هنگام ترک منزل

با توجه به شروع دور دوم مسافرت‌ها مهندسین و استادترین توصیف این است که در ترک منزل عجله و شتاب نداشته باشند و توصیه‌ها را به دقت به کار ببرند. آشنایی، خانه، منزل و ایدارخانه در شرکت‌ها و ادارات ظرفیت بالایی برای حادثه دارد و لازم است قبل از ترک منزل، وسایل برقی و گاز بررسی و وسایل غیر ضروری حمل‌آموش شود و بهتر است اگر نیاز به روشن بودن هیچ وسیله برقی و گازسوز ضروری وجود ندارد، حتماً کنتور برق قطع و شیر اصلی گاز نیز از داخل واحد بسته شود. البته فقط نباید به بستن شیر وسیله گاز سوز اکتفا شود، زیرا در مواردی مشاهده شد که به دلیل بستن شیر اصلی کنتور گاز و پوسیدگی شلنگ‌ها و اتصالات، گاز به بیرون منتقل گرد و حادثه‌ساز شد، بنابراین حتماً باید شیر اصلی گاز را نیز بست. اگر شهروندان قصد روانه نگه داشتن کنتور را دارند، باید فقط فیوز کنتور را روشن نگه دارند و دیگر فیوزها را قطع کنند. مواد قابل اشتعال مانند کاغذ، پاشله، روزنامه، بایون و... را نباید در اطراف و پشت پین پتچال یا نزدیک سیم‌های برق قرار داد و از بسته بودن در و پنجره‌ها و راه‌های نفوذ به داخل منزل اطمینان حاصل کرد و اگر شیشه‌ای شکسته است، باید قبل از ترک منزل برای تعویض آن اقدام کرد. شیر بسته اصلی آب سرد و گرم را نیز پیش از سفر باید بسته و اگر شیرهای دچار نشتی شده قبل از ترک منزل برای رفع آن اقدام کرد. افرادی ساخوده و کودکان و افرادی را که به تنهایی قادر به انجام کارهای خود نیستند یا دچار بیماری‌های روحی و روانی هستند نباید در خانه تنها گذاشت. حتی اگر سفر کوتاه مدت است باید از این کار پرهیز کرد یا این که حتماً یکی از آشنایان مورد اعتماد را نزد آنان فرستاد.

**عبدالرحیم شافقزائی - معاون عملیاتی سازمان شناسی شهرداری زاهدان**

عبدالرحیم شاقوزائی - معاون عملیاتی سازمان  
آتش نشانی شهرداری زاهدان

0/97-94550

[illegible]